

“مبارزه ضد امپریالیستی”

این حضرات

به بهانه تشکیل یازدهمین کنفرانس اسلامی

هفته‌ی گذشته یا زدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی پس از ۴ روز مذاکره به کار خود پایان داد. دستور کار کنفرانس بظاهر بررسی مسئله‌ی دخالت نظامی آمریکا در ایران، مداخله‌ی نظامی شوروی در افغانستان، مسئله‌ی بیت المقدس و مناقشات اعراب و اسرائیل بود. رژیم ارتجاعی ایران نیز در شرایطی که خود با مشکلات درونی، فراوان روبروست هشتی راتحت ریاست قطب زاده برای شرکت در این کنفرانس فرستاد و در طی این مدت تلاش کرد از طریق بلندگوهای تبلیغاتی خود تا شیر شرکت ایران در کنفرانس اسلامی را در رابطه با محکوم کردن آمریکا توسط اعضای شرکت کننده، تعیین کند. قلمداد کند. بررسی احتمالی چگونگی تشکیل کنفرانس اسلامی و بویژه شرکت ایران در این کنفرانس پس از انقلاب سیاسی سال ۵۷ بی اختیار ضرب المثل معروف "قسم حضرت عباس یا ... را در ذهن تداعی می‌کند.

کنفرانس سران کشورهای اسلامی که از ابتدا بخواطر حفظ منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی آن در منطقه‌ی خلیج فارس، به سردمداری رژیمهای ارتجاعی عربستان سعودی پاکستان، و ایران (در زمان شاه) تشکیل شد، هدفی را جز استثمار هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان تحت ستم این کشورها در پوشش مذهب دنبال نکرد و هیچگاه جز گسترش نفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه حاصلی نداشت. در رژیم گذشته، دولت ایران در پیمانهای

متعدد منطقه‌ای به ابتکار امپریالیسم آمریکا و برای حفظ منافع مستقیم آن شرکت کرد. کارگران و زحمتکشان جامعه انتظار داشتند که پس از تغییر و تحولات سیاسی اخیر، تنها دولت باصلاح انقلابی بی از شرکت در اینگونه پیمانها خودداری کند، بلکه مفاد پیمانهای نظامی و غیر نظامی را که در زمان شاه منعقد شده بود افشا کند. اما صرف نظر از خروج ظاهری از پیمان سنتو، بدون افشای مفاد عهدنامه آن هیچگونه کوششی در این جهت صورت نگرفت. دولت ایران در شرایطی که هنوز خون کارگران و زحمتکشان کشورمان بر کف خیابانها خشک نشده بود، با وقاحت کامل هیئت نمایندگی خود را در اردیبهشت ۵۸ برای شرکت در کنفرانس اسلامی روانه رباط کرد. ماهیت کنفرانس دیگر برای همگان روشن بود. سخنان سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان زبان گویای کنفرانس بود، "ما معتقدیم آمریکا در تضمین ملح عادلانه و همه جانبه در منطقه نقش مهمی دارد." (آیندگان ۵۸/۲/۱۸)

بهانه دولت باصلاح انقلابی برای شرکت در کنفرانس که از سوی منافع وزارت خارجه ایران آبرازش امیدواری "به تقویت جناح پیشرو که بتواند نقش موثرتری در سیاستهای کنفرانس داشته و در ضمن بتواند نفوذ رهبری جناحهای محافظه کار کنفرانس را کاهش دهد" اعلام شد. (همانجا) همین سیاست چند ماهه بعد به دنبال مداخله نظامی شوروی در افغانستان و دعوت دولت نظامی پاکستان تعقیب گردید. اما اینبار

تضادهای درونی هیئت حاکمه همچون دمل چرکینی که سربا ز کرده با دشکارا نمایان شد. حتی جناحهایی از هیئت حاکمه از طریق صدور اعلامیه‌هایی از سوی سپاه پاسداران انقلاب، حوزه علمیه قم و دانشجویان پیرو خط امام مخالفت شدیداللقن خود را با شرکت در کنفرانس اسلامی ابراز کردند. در هر سه اعلامیه تشکیل کنفرانس اسلامی در پاکستان نقشه آمریکا برای منحرف کردن افکار عمومی "ملل مستضعف" در مبارزه با دشمن اصلی یعنی آمریکا و هم چنین دامن زدن به تضادهای درونی جامعه از طریق مبارزه با کمونیسم قلمداد شده است.

ولی علیرغم راه پیمائی هساو تظاهراتات این نیروها که بنوبه خود منافع سیاسی گروهی و نسه توده‌های زحمتکش را در نظر داشتند، بار دیگر هیئت نمایندگی ایران، این بار به بهانه رعایت دیپلماسی رایج بیسن کشورها و داشتن یک سیاست خارجی فعال و محکوم کردن نیروهایی که سعی دارند "دولت جمهوری اسلامی" را به انزوای سیاسی بکشانند، به پاکستان رفت. (اطلاعات ۵۸/۱۱/۷) تنها دستاورد اجلاس بهمن ماه گذشته این کنفرانس تقویت موضع ایالات متحده در منطقه در لئوای حمله شدید نمایندگان کشورهای اسلامی به شوروی بود. اما در جایی که دیدار گروههای مختلف نظامی آمریکا از عمان بمنظور بررسی امکان بهره‌برداری از پایگاههای دریائی و هوائی آن کشور

از طرف ناوها و هواپیماهای آمریکائی محرز گشته بود، قسم خوردن نماینده رژیم قابوس در جلسه علنی کنفرانس در مورد عدم اجازه به نظامیان آمریکائی برای استفاده از پایگاههای عمان چه شمری میتوانست داشته باشد. (کیهان ۵۸/۱۱/۹) از سوی دیگر مقامات ظلمی برخی جناحهای هوادار شوروی در این کنفرانس به همراه ماهیت آشکار اعضای شرکت کننده در کنفرانس قدر مسلم جز تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکائی - مدی نداشت.

دیدیم که حتی هیئت نمایندگی ایران نتوانست اعضای شرکت کننده در کنفرانس را وادار به محکوم کردن سیاست تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران کند و در نتیجه در متن قطعنامه در این باره نامی از آمریکا برده نشد. (اطلاعات ۵۸/۱۱/۱۰) البته هیئت حاکمه ایران تصمیم خود را گرفته بود که حتی به بهای دادن امتیازات فراوان در این مورد و با استفاده از مانورهای سیاسی برای دامن زدن به توهم توده ها و در ضمن بهره برداری تبلیغاتی از این مسئله شکست خود را نادیده گرفته و بار دیگر با شرکت در اجلاس بعدی کنفرانس اسلامی رژیمهای دست نشانده امپریالیسم رایبه مدور رای محکومیت ظاهری آمریکا تشویق کند. بنا بر این پس از آنکه مقدمات تشکیل اجلاس کنفرانس اسلامی برای بار دیگر در اسلام آباد مهیا گردید، سراز پاشا سخنة در کنفرانس شرکت کرد. صحنه های کمدی - تراژیک اجلاس اخیر کنفرانس اسلامی را باید در ظهور ناگهانی و قاچاقی هیئت نمایندگی نیروهای با اصطلاح انقلابی افغانستان که علیه رژیم ببرک کارمل (البته بیاری آمریکا - پاکستان - ایران) مبارزه می کنند در محل تعیین شده هیئت نمایندگی ایران جست. در این نمایش ساختگی گویا حضرات شرکت کننده در کنفرانس اسلامی شگفت زده شدند. اما تنها ذهنیت غلیل هیئت حاکمه ایران بر آن است که این داستان ساختگی را بجای واقعیت در ذهن توده ها بنشاند.

بهر رو، باید بدانیم نقش پاکستان بعنوان میزبان کنفرانس اخیر اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. دولت

نظامی پاکستان به رهبری ژنرال کودتا - گر، ضیال حق، در ماه های اخیر

طی تماسهای متعدد (از جمله سفر برژنسکی مشاور امنیتی کارتر به پاکستان) با ایالات متحده به عبت کوشش میکنند تا خلا ناشی از سقوط رژیم شاه را بعنوان ژاندارم منطقه برای آمریکا پر کند. ایالات متحده نیز پس از انقلاب سیاسی ایران بمنظور یافتن پایگاه مطمئنی در منطقه با افزایش کمک تسلیحاتی به این کشور قصد دارد علاوه بر جلوگیری از نفوذ شوروی از طریق افغانستان، ره نیز برای سرکوب هر چه بیشتر دستاوردها قیام ایران بیابد.

باید از هیئت حاکمه با اصطلاح ضد امپریالیست ایران پرسید، در شرایطی که شایعه استفاده از دویاگاه پاکستان به عنوان میدان پرواز هواپیماهای آمریکا - نی برای انجام عملیات کذائی "نور سبز" بر سر زبانه است، حضور در کنفرانس اسلام آباد چه معنایی جز تلاش در جهت تحمیل توده ها دارد؟ باید از هیئت حاکمه با اصطلاح ضد امپریالیست ایران پرسید که هنگامیکه ضیال الحق از ایالات متحده می خواهد تا توجه بیشتری بمنطقه خلیج فارس و جنوب شرقی آسیا کند "و میکود" شوروی باین علت در افغانستان مداخله کرده که آمریکا قدرت خویش را در منطقه و در افغان - نستان نشان نداده و در واقع جارا برای شوروی خالی کرده است" (ندای آزادی ۳۱ اردیبهشت ۵۹) شرکت ایران در کنفرانس اسلام آباد جز نشان دادن سیاست آشکارا امریکائی دولت چه مفهومی دارد؟ البته و صد البته که ضیال الحق کودتاگر نیز نظیر سایر اعضای شرکت کننده با عوام فریبی از طریق محکوم کردن تجاوز آمریکا بایران و اینکه "در صورت مداخله نظامی هر کشوری علیه ایران پاکستان هر چه در توان داشته باشد در اختیار برادران ایرانی خود قرار میدهد" (بامداد ۵۹/۲/۲۹) قصد لاپوشانی ماهیت اصلی رژیم پاکستان را دارد. مردم ماهنوز خوش رقصی های آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان را در دوران شاه فراموش نکرده اند. اما این بار آقا شاهی در مقام دفاع از حقوق ملت ستمدیده فلسطین، افغانستان و ایران به میدان میاید و به اصرار تمام سعی دارد که

سیاستهای ایالات متحده و اسرائیل را محکوم کند.

البته آقای قطب زاده نیز در این باب فشاریها دست کمی از همتای پاکستان خود ندارد. او نیز تلاش میکند با قسم های حضرت عباس خود به افکار عمومی بقبولاند که: "ما نباید همچنین برای برقراری مجدد صلح و عدالت در لبنان جنگ زده کوشش کنیم" در حالیکه کیست که بقبولش ارتجاعی حزب امل و کمک های دولت ایران در جنگ افروزی در لبنان را نداند. حتی گزارشات دختر نواب صفوی از لبنان در مورد کمک مالی بیدریغ ایران ب سازمان امل و تشریح فعالیت این حزب از سوی او مبین همین نقطه نظر است.

در ضمن "سیاست فشاری بر روی آن چه که واقعیت ندارد." در بخشی از سخنانم کنفرانس اسلامی در مورد محکوم کردن تجاوز آمریکا و همچنین محکوم کردن برخی کشورهای منطقه که در جریان تهاجمات و زلای اخیر ایالات متحده بایران بآمریکا کمک کرده اند نیز دنبال شده است. چگونه است که سردمداران تشکیل اجلاس کنفرانس اسلامی که در عین حال سیاست کنفرانس اسلامی را نیز تعیین میکنند خود به محکومیت خود رای داده اند؟ جز آنکه هیئت حاکمه ایران علیرغم تبلیغات وسیع خود مبنی بر بی آبرو ساختن ایالات متحده در انتظار چنان نیکان دست در دست متحدان آن بآوردن امتیازات گوناگون سیاسی سعی در بانحراف کشیدن افکار توده ها و آماده ساختن جو سرکوب نیروهای چپ و مترقی جامعه دارد. در شرایط بحرانی و ملت به کنونی جامعه ما، در شرایط سکوب خلق کرد، در شرایط ایجاد فضای حقان و تحمیل شرایط غیر دمکراتیک، شرکت ایران در کنفرانس اسلامی جز در جهت ادامه سیاستهای ضد کمونیستی و جز در خدمت امپریالیسم آمریکا نیست.

خلاصه کنیم:

آنچه که دولت ایران سعی دارد در ارتباط با شرکت در کنفرانس اسلامی سه توده های زحمتکش جامعه بقبولاند "پیروزی" در تحمیل نظر خود در مورد محکوم کردن مداخلات نظامی آمریکا و اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران است. دوا لیکه میدانیم نتایج سیاسی کنفرانس

بقیه مبارزه ضد امپریالیستی این

اسلامی برخلاف تبلیغات دولت ایران تلاش در جهت حل مسئله افغانستان به سود زحمتکشان آن کشور بلکه در جهت منافع آمریکا است. به همین منظور نه تنها کمیته افغانستان با شرکت ایران پاکستان و عربستان سعودی تشکیل می شود، بلکه "انفراز رهبران نهضت آزادی بخش افغانستان به رهبری شیخ بحرالدین ربانی تحت پوشش هیئت نما - بندگی ایران و اردجلسه کنفرانس میشوند تا مدای مطلوبیت خود را از طریق تریبون ایران بکوش جهانیان برسانند" ابا - مداد، ۱۵۹/۲/۳۰.

درواقع دولت با اصطلاح انقلابی ایران باید در قبال شرکت در این کنفرانس و همکاری مستقیم با رژیمهای ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان یا سخگوی مردم باشد. مردم میدانند تصویب ضمنی قطعنامه ای که ظاهراً علیه

مداخلات ایالات متحده در ایران نظرداده بخودی خود اهمیت ندارد، بلکه تاثیر سیاسی ناشی از شرکت در یک کنفرانس بین امریکائی و پذیرفتن چهارجوب این کنفرانس است که ماهیت رژیم ایران را تعیین میکند. دولت ایران نه در جهت نامین منافع کارگران و زحمتکشان قطع رابطه با امپریالیسم بلکه با مرکوب نیروهای چپ و مشرقی و شرکت در پیمان ها و کنفرانس هایی که سیاست امپریالیسم را دنبال میکنند، عملاً در راه تقویت نفوذ امریکا و نیروهای ارتجاعی کشورهای منطقه گام برداشته است.

بررسی ماهیت تجا و زگرانۀ مداخله شوروی در افغانستان را به فرصت دیگری موکول میکنیم اما ذکر یک نکته را لازم می- دانیم: دولت ایران حتی در افغانستان نیز از ارتجاعی ترین نیروهای ممکن در

قبال مداخله جوشی نظامی شوروی حمایت میکند. "گروه جمعیت اسلامی برهسری بحرالدین ربانی به جمعیت اسلامی پاکستان وابسته بوده و یک گروه محافظه کار افراطی است که منافع فئودال هارا تامین میکند. (بامداد - ۱/۱۸/۵۹ - مقاله ریشه های بحران و شاجم شوروی به افغانستان - ترجمه از نیولفت رویو نوشته فرد هالیدی) به همین دلیل جزو احاد سیاست های ارتجاعی رژیم ایران کسی ریختن اشک تمساح بخاطر کشته شدن یک دانش آموز کابلی را در زمانیکه دولت ایران با سلاحهای امریکا - شی خود فرزندان دلیر خلق کسرد را کشتار میکند، باور نکرده است. ●